

مجله اقتصادی

شماره‌های ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۹۹، صفحات ۶۳-۴۱

## چرایی تعطیلی واحدهای تولیدی استان ایلام

ابوطالب کاظمی

سرپرست گروه سرمایه‌گذاری اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان ایلام

am.kazemi1988@yahoo.com

بخش صنعت جایگاه قابل توجهی از ارزش افزوده و اشتغال را دارا است. مطابق آمارهای ارائه‌شده مرکز آمار، تعداد شاغلین کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر از ۴۱۴۵۴۶ نفر در سال ۱۳۵۸ به ۱۲۵۸۴۱۴ نفر در سال ۹۴ رسیده و حاکی از سهم ۳۱/۸ درصدی اشتغال کشور است. این در حالی است که حوزه صنعت کشور به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد ملی و پیش‌قراول توسعه، طی سال‌های گذشته با چالش‌ها و نوسانات متعددی مواجه بوده است. تعطیلی واحدهای تولیدی و بررسی دلایل مؤثر بر آن از جمله موضوعاتی است که امروزه در حوزه اقتصاد صنعتی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و پاسخ به این پرسش که تعطیلی بنگاه، نتیجه ویژگی‌های سطح بنگاه، صنعت و یا عوامل محیطی (اقتصاد کلان) است، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر تعطیلی واحدهای تولیدی استان ایلام با روش توصیفی-تحلیلی بوده است. مطابق گزارش‌های سازمان صمت استان ایلام از ۱۰۱ واحد تعطیل و نیمه تعطیل، واحدهای با مالکیت خصوصی، دارای سن کمتر، اندازه کوچک‌تر و سرمایه اولیه کمتر، بیشترین سهم واحدهای تعطیل و نیمه تعطیل را به خود اختصاص داده است. واژگان کلیدی: واحدهای تولیدی، تعطیلی، سن، اندازه، استان ایلام

## ۱. مقدمه

مطابق ادبیات حوزه اقتصاد صنعتی، ورود یک بنگاه اقتصادی به صنعت، باعث افزایش تولید، افزایش رقابت و کاهش قیمت تخصیص بهینه منابع می‌شود در نهایت رونق و رشد اقتصادی را به ارمغان می‌آورد اما آنچه پس از ورود یک بنگاه به صنعت حائز اهمیت است توانایی بنگاه در حفظ بقا و ادامه حیات است (فیض پور و کریمی، ۱۳۹۵). بنابراین شناخت عواملی که باعث توقف فعالیت آن‌ها می‌شود نیز حائز اهمیت است.

به طور کلی ورود و خروج بنگاه‌ها از سه طریق بر عملکرد بازارهای صنعتی تأثیر می‌گذارد. اول اینکه؛ ورود و خروج بنگاه‌ها از طریق افزایش رقابت در بازار موجب کاهش قیمت‌ها و سودآوری بنگاه‌های موجود در صنعت می‌شود. دوم؛ طی فرآیند ورود و خروج، بنگاه‌های با بهره‌وری پایین از صنعت خارج و بنگاه‌های با بهره‌وری بالا جایگزین آن‌ها می‌شود. سوم؛ ورود بنگاه‌های جدید به صنعت عمدتاً موجب ورود تکنولوژی برتر به صنعت شده و بنگاه‌های فاقد نوآوری از صنعت خارج می‌کنند (بهشتی و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۳۸۷).

ادبیات موجود نشان داده است که بقای یک بنگاه در بازار به عوامل متعددی بستگی داشته و از نظر تئوری کلاسیکی، بقاء تحت تأثیر ویژگی‌های بنگاه و مشخصات بازار است (آگاروال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). این در حالی است که اگر بنگاه نتواند (به هر دلیلی مانند رقابتی، مالی، مدیریتی و...) در صنعت به فعالیت خود ادامه دهد و مجبور به خروج از صنعت شود، اثرات نامطلوبی بر تولید و اشتغال وارد خواهد کرد (فیض پور و عرب نجف‌آبادی، ۱۳۹۳)<sup>۳</sup>.

ورود و خروج بنگاه به بازار یا آنچه که تحت عنوان پویایی‌های بنگاه به بازار تلقی می‌شود از عوامل اساسی فرآیند انتخاب بازار بوده که منجر به بازسازی و تحول در صنعت می‌شود. از این رو فرآیند ورود و خروج بنگاه‌ها نقش اساسی در تحول و تغییر در صنعت بازی می‌کند (بهشتی و

1. Beheshtai et al. (2009)

2. Agarwal (1996)

۳. اگرچه توقف و خروج بنگاه‌ها از فعالیت امری طبیعی بوده و جزء چرخه فعالیت آن‌ها تلقی می‌شود، اما خروج بنگاه از چند وجه قابل توجه است. نخست آنکه، خروج بنگاه از چرخه تولید سبب از بین رفتن فرصت‌های شغلی موجود شده و بازار کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی با کاهش تولید ناشی از توقف فعالیت بنگاه‌ها، زمینه افزایش قیمت‌ها فراهم می‌شود (فیض پور و رضائی نوجینی، ۱۳۹۱).

همکاران<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸). از جنبه دیگر ورود و خروج دوجه اجتناب‌ناپذیر فرآیند رقابت پویای بازار است که منجر به رشد بنگاه‌های کارآمد و حذف بنگاه‌های ناکارآمد می‌شود (کایا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). پژوهش‌های بسیاری در کشورهای مختلف در زمینه عوامل شکست و یا خروج بنگاه‌ها انجام گرفته، اما در ایران تقریباً بررسی این مهم، مورد غفلت قرار گرفته است. عدم دسترسی به داده‌های مورد نیاز در این حوزه از یک سو، و توجه بیشتر به ایجاد اشتغال و تولید از طریق ایجاد بنگاه‌های جدید به جای حفظ اشتغال و تولید بنگاه‌های موجود از سوی دیگر، غافل ماندن از خروج بنگاه‌ها از چرخه فعالیت و در نتیجه از بین رفتن فرصت‌های اشتغال ایجادشده را موجب شده است.

علی‌رغم وجود طرح «حمایت از تولید ملی»، «قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیل کارخانه‌های کشور»<sup>۳</sup> و قانون «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر»<sup>۴</sup>، متأسفانه حمایت جدی از بخش صورت نپذیرفته است و شاهد خروج و تعطیلی بنگاه‌های صنایع تولیدی بوده‌ایم. از طرفی با توجه به اسناد بالادستی ذیل (دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، ۱۳۹۲) که اهداف و تکالیف بخش صنعت را در رئوس کلی زیر تبیین کرده است لزوم توجه به بخش صنعت و جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌های صنعتی حائز اهمیت است:

- دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی در بخش‌های مختلف از جمله بخش صنعت (سند چشم‌انداز).
- بهبود فضای کسب‌وکار با اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید صنعتی و توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (بندهای «۴۵»، «۴۷» و «۴۸» سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه).
- گسترش مالکیت عمومی، ارتقای کارایی، افزایش رقابت‌پذیری، توسعه بخش‌های خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی از جمله بخش صنعت، سالیانه معادل ۲۰ درصد (سیاست‌های کلی اصل ۴۴).

1. Beheshtai et al. (2009)

2. Kaya et al. (2002)

۳. مصوب ۱۳۴۳ که در سال ۱۳۸۸ مورد بازبینی قرار گرفته شده است.

۴. مصوب ۱۳۹۴

- افزایش سهم بهره‌وری بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی، اصلاح ساختار صنعتی در جهت افزایش توان رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری عوامل تولید (موارد (۱) تا (۳)) سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت).
- ارتقای سطح فناوری صنایع و دستیابی به رشد مطلوب سرمایه‌گذاری صنعتی (مواد (۴) و (۵)) سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت).
- توسعه تشکلهای تخصصی، انسجام و تعادل منطقه‌ای، افزایش صادرات صنعتی، ایجاد خوشه‌های صنعتی از طریق تقویت صنایع کوچک و متوسط و برقراری پیوند آن‌ها با صنایع بزرگ (مواد (۶) تا (۱۰)) سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت).

## ۲. مبانی نظری

یکی از دیدگاه‌های مهم حوزه حیات و مرگ بنگاه، نظریه چرخه حیات (چرخه عمر) است. نظریه چرخه عمر بر این فرض استوار است که بنگاه‌های اقتصادی نیز مانند موجودات زنده عمر دارند. این نظام‌های زنده در هر مرحله از چرخه عمرشان، به منظور غلبه بر مسائل مربوط به آن دوره و مشکلاتی که در صورت انتقال از دوره‌ای به دوره بعد با آن مواجه می‌شوند، الگوهای رفتاری خاصی دارند. بنگاه‌های اقتصادی در جوانی (دوران رشد) بسیار انعطاف‌پذیرند؛ ولی در اکثر مواقع کنترل‌شدنی نیستند. با افزایش عمر بنگاه‌های اقتصادی، روابط تغییر می‌کند، کنترل‌ها افزایش یافته و انعطاف‌پذیری کاهش می‌یابد (آدیزس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹). در این دیدگاه، استعارهای زیستی برای حیات بنگاه‌های اقتصادی به کار می‌رود. در استعاره زیستی، بنگاه‌های اقتصادی مثل موجودات زنده به دنیا می‌آیند، رشد می‌کنند، تکامل می‌یابند، پیر می‌شوند و در هر کجای مسیر چنانچه انرژی صرف شده را از طریق داده‌های جدید جایگزین نمایند از بین می‌روند (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۵). اقروال<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) مراحل چرخه عمر را تغییر موقت شرایط رقابتی موجود در هر صنعت و در بازه زمانی معین تعریف می‌کند. به دلیل نرخ نوآوری و افزایش تغییرات رقابتی، الگوهای چرخه

1. Audzise  
2. Eghrwal

عمر صنعت در طول چرخه آن اتفاق می‌افتد (دیکنسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). قورت و کلپر<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) مراحل چرخه عمر را به شرح زیر بیان کرده‌اند:

مرحله معرفی؛ جایی که نوآوری ایجاد می‌شود. بنگاه‌ها در این مرحله تلاش می‌کنند آگاهی ایجاد کرده، اطلاع‌رسانی کنند و سهم بازاری خود را افزایش دهند. اولین ورودی‌ها از مالکیت موقت در بازار لذت می‌برند.

مرحله رشد؛ در این مرحله اندازه بنگاه بیش از اندازه بنگاه‌های است که در مرحله ظهور به سر می‌برند و رشد و فروش و درآمد نیز نسبت به مرحله ظهور بیشتر است. بنگاه‌ها نسبت به توانایی‌هایشان (ساختار هزینه و مزیت رقابتی) انتظارات خوش‌بینانه‌ای دارند و در این مرحله بنگاه‌ها، مقدار زیادی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

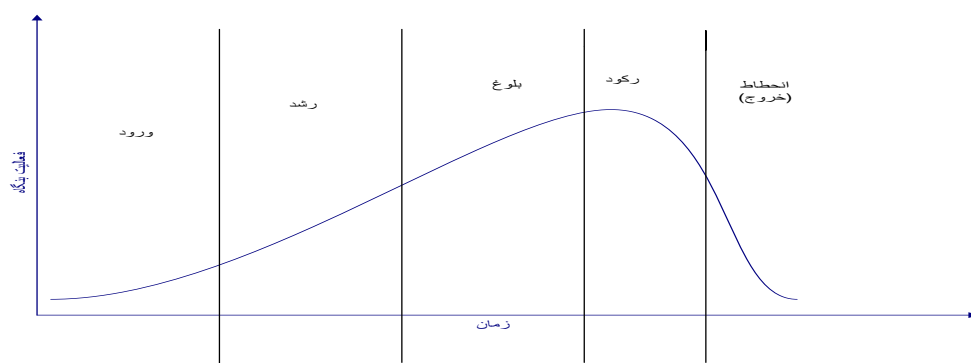
مرحله بلوغ؛ در این مرحله، بنگاه‌ها فروش باثبات و متعادلی را تجربه می‌کنند، دارایی‌های اولیه آن‌ها مستهلک می‌شود؛ سرعت از کارافتادگی تجهیزات نیز به تغییرات فناوری و صنعت بستگی دارد. در این شرایط، ناتوانی شرکت در کنار آمدن با تغییر محیط رقابتی، پیشرفت چرخه عمر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دیکنسون، ۲۰۰۶). اندازه دارایی‌های بنگاه در این مرحله بیشتر از اندازه دارایی‌های بنگاه‌های در حال رشد است.

مرحله رکود؛ تحلیل مزیت‌های رقابتی مشخص می‌کند که مرحله بلوغ به رکود اجتناب‌ناپذیر است. مگر اینکه بنگاه‌ها بتوانند از طریق تغییر ساختار (ادغام، پیوستن با بازارهای دیگر و...) عملیاتشان را از سر بگیرند. در این مرحله بنگاه‌ها سعی می‌کنند دارایی‌های غیر مولدشان را به نقد تبدیل کنند؛ به عبارتی تلاش می‌کنند این منابع را به پروژه‌های جدیدی تبدیل کنند که بازدهی مثبتی به وجود می‌آورند. در این مرحله، هزینه تأمین مالی از منابع خارجی زیاد است به گونه‌ای که در اغلب موارد بازده سرمایه‌گذاری یا بازده سرمایه‌گذاری تعدیل شده کمتر از نرخ تأمین مالی است.

مرحله انحطاط (مرگ یا خروج)؛ هر بنگاه می‌تواند از هر کدام از مراحل قبلی به مرحله انحطاط وارد شود. برای مثال، جوانوویچ (۱۹۸۲) با مدلی تحلیلی نشان داد که به دلیلی دوره طولانی

1. Dikenson  
2. Ghoert & Kelper

آموزش‌های لازم برای تثبیت شایستگی بنگاه‌ها، میزان به خطر افتادن (احتمال شکست) در مراحل اولیه چرخه عمرشان زیاد است. همچنین، اگر در مرحله قبلی، تلاش‌های بنگاه برای سازگاری‌های رقابتی یا نوآوری موفقیت‌آمیز نباشد، به مرحله ورشکستگی یا انحطاط و خروج از بازار وارد می‌شود.



شکل ۱. مراحل چرخه عمر بنگاه

### ۳. پیشینه تحقیق

#### ۳-۱. مطالعات خارجی

نیستروم<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به بررسی الگوها و تعیین‌کننده‌های ورود و خروج صنایع کشور سوئد برای دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۹۷ با استفاده از مدل پانل پرداخته است. در این مطالعه که در سطح کدهای ۵ رقمی صورت گرفته است، عواملی مانند سودآوری، نرخ رشد صنعت، شدت سرمایه در دسترس و غیرقابل دسترس، مقیاس اقتصادی و تمرکز صنعتی به عنوان تعیین‌کننده‌های ورود و خروج در نظر گرفته شده‌اند. نتایج مدل اثرات ثابت پانلی نشان داده است که سودآوری، شدت سرمایه در دسترس و غیرقابل دسترس بر نرخ‌های ورود و خروج اثر مثبت داشته ولی رشد صنعت، مقیاس اقتصادی و تمرکز صنعتی اثر منفی بر نرخ‌های ورود و خروج داشته است.

بگز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به بررسی بقا بنگاه، عملکرد و نرخ ارز بنگاه‌های تولیدی کانادا برای دوره زمانی ۱۹۸۶-۹۸ پرداخته‌اند. در این مطالعه از نرخ ارز، سن بنگاه‌ها، تعداد نیروی کار، میانگین فروش، سرانه فروش به نیروی کار، کاهش تعرفه‌های کانادا، کاهش تعرفه‌های

1. Neystrom

2. Bags and et.al.

آمریکا، رشد فروش سالیانه و نسبت تمرکز استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داده است که بقا و فروش ارتباط منفی با دلار کانادا دارند. البته اثر بقا برای بنگاه‌های که بهره‌ورتر است کمتر است. کاهش تعرفه‌های کانادا اثر منفی و کاهش تعرفه‌های آمریکا اثر مثبتی بر بقا دارد. همچنین رشد صنعت اثر مثبتی بر بقای بنگاه دارد.

هریس و لی<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی تعیین‌کننده‌های خروج بنگاه‌های صادرکننده کشور انگلستان برای دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۷ با استفاده از مدل مخاطره کاکس پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که احتمال اینکه یک بنگاه صادرکننده باشد، به‌طور مستقیم با بهره‌وری و دیگر فاکتورهای سطح بنگاه مانند اندازه و مالکیت خارجی بستگی دارد. فاکتورهای خرد مالی مانند سودآوری و توانایی مالی پرداخت بدهی‌های مالی بلندمدت نقش دارند. از طرفی فاکتورهای تفاوت ناحیه‌ای مانند تمرکز صنعتی بر خروج بنگاه‌ها نقش حیاتی دارند. نتایج نشان داده است که دارایی‌های در دسترس ارتباط مثبتی با نرخ‌های مخاطره دارد. اثرات رشد و شدت سرمایه بر نرخ مخاطره خروج معنادار نیست. اندازه اولیه بنگاه ارتباط مثبتی با نرخ‌های خروج دارد. ولی با رشد بنگاه و افزایش اندازه آن ارتباط آن با نرخ‌های مخاطره منفی می‌شود. افزایش در شاخص هرفیندال برای بنگاه‌های صادرکننده احتمال خروج را کاهش می‌دهد.

فینبرگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای به بررسی اثر رقابت جهانی بر خروج بنگاه‌های کوچک صنایع تولید آمریکا برای دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۸۹ با استفاده از روش FGLS در سطح کدهای دورقمی پرداخته است. متغیرهای استفاده شده در این مطالعه شامل: رشد GDP واقعی، رشد اندازه بنگاه، نرخ ارز واقعی، نسبت کالاهای مصرفی به سرمایه‌ای (دامی) و شدت سرمایه می‌باشند. در این مطالعه واکنش بنگاه‌های داخلی به رقابت خارجی به‌وسیله تغییرات واقعی نرخ ارز در بخش صنعت اندازه‌گیری شده است. نتایج نشان داده است که فشار رقابت جهانی سبب افزایش نرخ خروج بنگاه‌های کوچک تولید شده است. البته وجود نوآوری می‌تواند بر کاهش اثر رقابتی در سطح بین‌المللی اثرگذار باشد. همچنین شدت سرمایه، شدت تحقیق و توسعه و کالاهای بادوام اثر منفی بر

---

1. Harris and Li

2. Feinberg

خروج دارند. رشد اقتصادی برای بنگاه‌های با اندازه کم اثر مثبت ولی برای بنگاه‌های بزرگ اثر منفی بر خروج نشان داده است.

رسند و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی پویایی‌های ورود و خروج در صنایع تولیدی برزیل برای دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۶ با استفاده از روش GMM پرداخته‌اند. در این مطالعه خروج بنگاه به صورت نسبتی از بنگاه‌های خارج شده در سال مورد نظر به کل بنگاه‌های در سال‌های پیشین است و ورود بنگاه به صورت نسبت تعداد بنگاه‌های وارد شده در سال مورد نظر به کل بنگاه‌های تولیدی صنعت در نظر گرفته شده است. در این مطالعه اثر چرخه‌های تجاری بر ورود و خروج بنگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، نتایج نشان داده است که ورود و خروج بنگاه‌ها تحت تأثیر چرخه‌های تجاری قرار گرفته است.

عربی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی فضایی بقا و مرگ بنگاه‌های بخش سلامت و درمان ایتالیا برای دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۴ با استفاده از روش کاپلان-مایر و تابع مخاطره کاکس پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که از ۳۲۱۷ بنگاهی که وارد این صنعت شده‌اند، پس از گذشت یک سال ۹۴ درصد بنگاه‌ها باقی مانده، اگرچه پس از گذشت ۵ سال حدود ۷۲ درصد بنگاه‌ها در صنعت باقی مانده‌اند. همچنین نتایج مدل مخاطره کاکس نشان داده است که ریسک خروج با منطقه جغرافیایی رابطه منفی دارد. یعنی وضعیت اولیه واقع شده بنگاه با احتمال خروج رابطه منفی دارد. نواحی که از نظر منطقه جغرافیایی ارتباط همگنی با هم دارند خروج کمتری اتفاق افتاده است.

ژرپ و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر الگوهای فضایی به عنوان تعیین کننده‌های خروج بنگاه‌های صنایع تولیدی فرانسه با استفاده از روش‌های پانل فضایی و گشتاورهای تعمیم یافته فضایی پرداخته‌اند. در این مطالعه نرخ خروج به صورت نسبت تعداد بنگاه‌های خارج شده بخش *i*، استان *s*، در زمان *t*؛ بر میانگین سرمایه تخمین زده شده بنگاه‌ها در هر دوره است. نتایج این مطالعه نشان داده است که خروج بنگاه به طور معناداری متأثر از عوامل فضایی است. مناطقی که نرخ‌های خروج بالایی دارند شباهت‌های زیادی به هم داشته‌اند. همچنین نتایج

1. Redand & et al.  
2. Arbia & et al.  
3. Giuseppe et al.

نشان داده است که خروج در بنگاه‌های کوچک حساسیت بیشتری نسبت به بنگاه‌های بزرگ‌تر دارد.

### ۲-۳. مطالعات داخلی

بهشتی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر ورود و خروج خالص بنگاه در بخش صنعت ایران در سطح کدهای چهاررقمی برای دوره زمانی ۸۲-۱۳۷۴ با استفاده از روش پانل دیتا پرداخته‌اند. در این مطالعه از متغیرهای حداقل مقیاس کارا، اندازه صنعت، نفوذ سرمایه، هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه‌های تبلیغات، سودآوری صنعت، رشد صنعت و تولید ناخالص حقیقی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داده است که اندازه صنعت، شدت سرمایه، هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های تبلیغات اثر منفی بر خالص ورود بنگاه‌ها دارند. همچنین نتایج نشان داده است که سودآوری صنعت و رشد صنعت و تولید ناخالص داخلی اثر مثبتی بر خالص ورود دارد.

فیض پور و رضائی نوجینی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر اندازه بنگاه، بهره‌وری نیروی کار و خروج بنگاه‌های جدیدالورود صنایع تولیدی ایران با استفاده از روش‌های پانل دیتا و مخاطره کاکس برای دوره زمانی ۷۹-۱۳۷۵ پرداخته‌اند. نتایج بررسی‌ها نشان داده است که بهره‌وری نیروی کار تحت تأثیر اندازه بنگاه است و تأثیر معنی‌داری بر خروج بنگاه‌های جدیدالورود دارد.

فیض پور و کریمی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی سایه مرگ در صنایع تولیدی ایران مطالعه موردی صنایع منتخب استان‌های یزد و اصفهان با استفاده از مدل کاکس پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که بهره‌وری نیروی کار، میانگین بهره‌وری کل، میانگین اندازه و میانگین سودآوری بنگاه‌های خارج شده نسبت به بنگاه‌های باقیمانده کمتر است، بدین مفهوم که موضوع پدیده سایه مرگ را تأیید می‌کند.

جلالی نائینی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی ورود و خروج بنگاه در قالب یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی برای اقتصادی ایران پرداخته‌اند. نتایج شبیه‌سازی الگو برای اقتصاد ایران نشان داده است که لحاظ ورود و خروج درون‌زا در یک الگوی تعادل عمومی می‌تواند شدت و طول چرخه‌های تجاری را تغییر دهد که این تغییر به برداشت عمومی از این سازوکار منطبق‌تر است. همچنین با درون‌زا شدن جریان ورود و خروج بنگاه تکانه‌های سمت تقاضا با تغییر

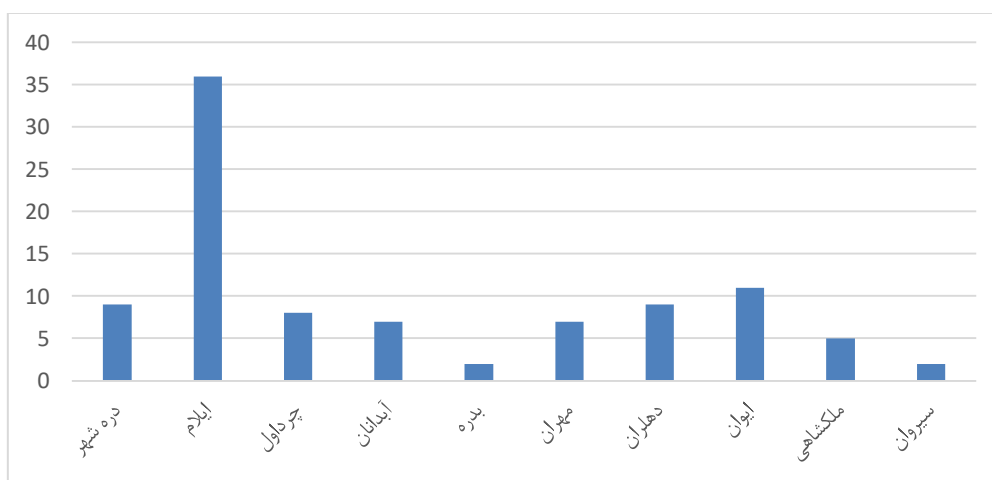
شدت به کارگیری عوامل تولید پاسخ داده شده و تکانه‌های سمت عرضه با ایجاد فهرست کالایی جدید در اقتصاد جذب شده است.

کازمی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل خرد و کلان مؤثر بر خروج بنگاه‌های صنایع تولیدی ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که در سطح بنگاه، بهره‌وری؛ در سطح صنعت، تمرکز و سودآوری و در سطح کلان، تورم، رشد اقتصادی، جمعیت و تسهیلات اعطایی اثر معنی‌داری بر خروج بنگاه‌ها داشته است.

از جمع‌بندی مطالعات داخلی و خارجی چنین برداشت می‌شود که عوامل متعددی بر خروج و تعطیلی بنگاه‌های مؤثر هستند، برخی از عوامل مربوط به سطح بنگاه، برخی مربوط به سطح صنعت و برخی مربوط به سطح کلان می‌باشند. اگرچه در برخی مطالعات عوامل غیراقتصادی نیز یاد شده است، اما عمدتاً خروج متأثر از سه دسته عوامل سطح بنگاه، صنعت و کلان است.

#### ۴. بررسی عوامل مؤثر بر تعطیلی واحدهای تولیدی استان ایلام

مطابق ادبیات موجود در حوزه اقتصاد صنعتی و مطالعات پیشین، عوامل زیادی بر خروج و تعطیلی واحدهای تولید مؤثر هستند. بنا بر گزارش‌های سازمان صمت استان ایلام، تعداد ۱۰۱ واحد تولیدی در استان نیمه فعال و تعطیل شده هستند. مطابق نمودار شماره (۱) فراوانی تعداد واحدهای تعطیل شده بر حسب شهرستان‌های استان را نشان می‌دهد که به ترتیب ایلام و ایوان بیشترین تعداد واحد تعطیل شده و بدره و سیروان کمترین تعداد و احد تعطیل شده را داشته است.



نمودار ۱. فراوانی واحدهای تعطیل شده به تفکیک شهرستان‌های استان ایلام  
(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)

## اندازه بنگاه

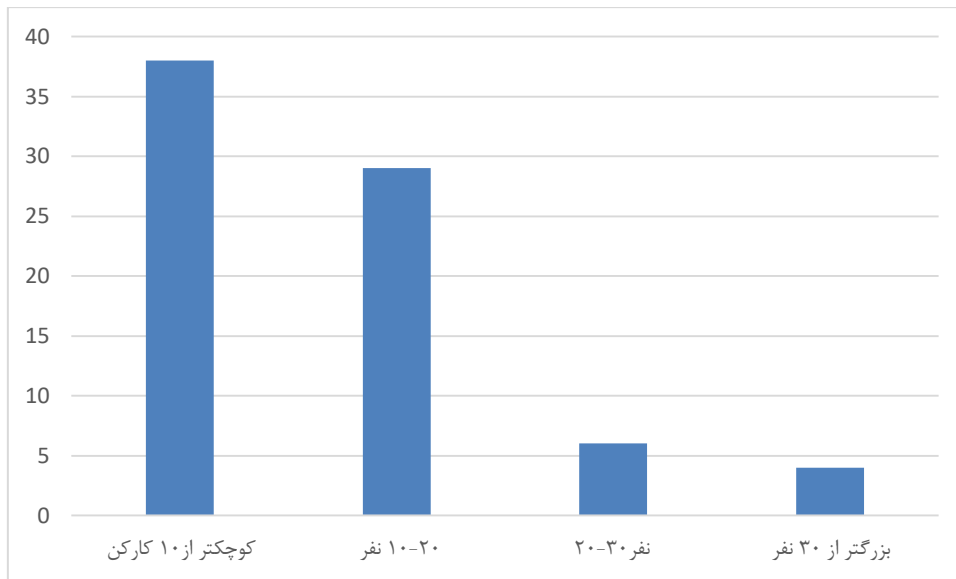
مطابق تعریف در حوزه اقتصاد صنعتی، اندازه بنگاه بر حسب تعداد کارکنان واحدهای تولیدی تعریف می شود (گا و همکاران، ۲۰۰۳).

کاوز و پورتر (۱۹۷۷) بیان کردند که در بنگاه‌های کوچک هزینه‌های حاشیه‌ای کوچک است، لذا چرخش (تبدیل) در آن‌ها بالاست. گرتلر و گیلچریست (۱۹۹۴)<sup>۱</sup> نشان دادند که با توجه به محدودیت دسترسی به منابع مالی در بازار، بنگاه‌های کوچک در شرایط سخت بیشتر آسیب‌پذیر بوده و در نتیجه احتمالاً بیشتر خارج می‌شوند. سوم، از آنجایی که بنگاه‌های بزرگ نسبت به بنگاه‌های کوچک ظرفیت و فضای بیشتری به منظور تغییر سطح عملیاتی خود دارند، لذا آن‌ها در برابر شوک‌های خارجی کمتر مجبور به خروج می‌شوند. فرض بر این است که بنگاه‌های بزرگ قادرند در برابر تعطیلی بیشتر مقاومت کنند چون در حقیقت آن‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به بنگاه‌های کوچک دارند. در نتیجه فرض بر آن است که موانع خروج برای بنگاه‌های بزرگ، بزرگ باشد. به عنوان مثال دان و رابرت (۱۹۹۱)<sup>۲</sup> نشان دادند صنایعی که میانگین اندازه بنگاه‌های بزرگی دارند، نرخ‌های خروج پایین‌تری دارند (نیستروم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). بنگاه‌های بزرگ به دلیل در اختیار داشتن حجم عظیمی از منابع مالی، فیزیکی، انسانی و دیگر منابع که منجر به بهبودی مقیاس اقتصادی و مقابله با شوک‌های بیرونی بوده، بنابراین در برابر خروج در امان خواهند بود (تسیوناس و پاپادوگانوس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

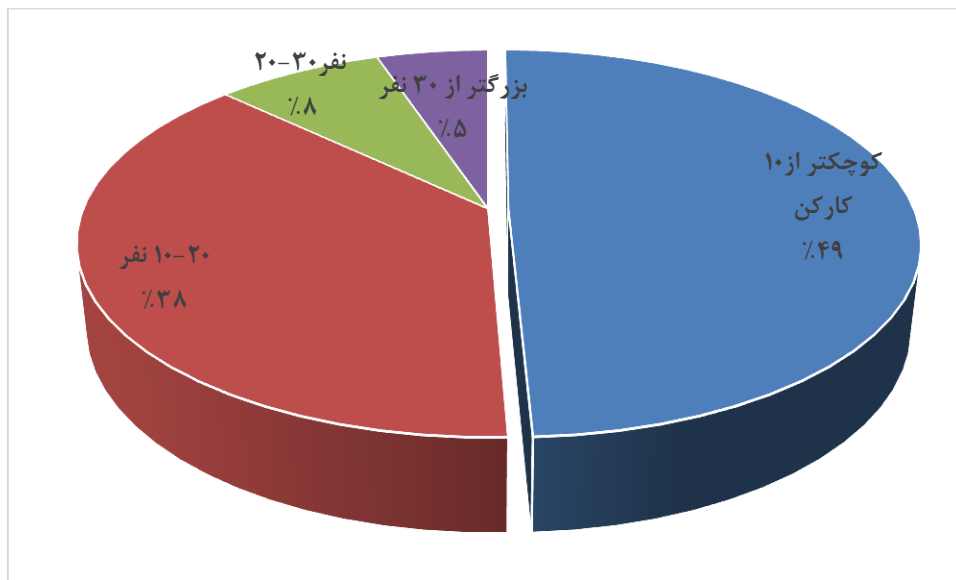
مطابق نمودارهای شماره (۲) و (۳) که فراوانی اندازه واحدهای تولیدی استان ایلام را نشان می‌دهد، از بین واحدهای تعطیل شده، واحدهای با تعداد نیروی کار کمتر از ۱۰ نفر بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. به طوری که سهم حدود ۵۰ درصدی واحدهای تعطیل شده مربوط به واحدهای با تعداد نیروی کار کمتر از ۱۰ نفر است.

---

1. Gertler and Gilchrist  
2. Dune and Robbert  
3. Nystrom  
4. Tsionas & Papadogonas



نمودار ۲. توزیع اندازه واحدهای تولیدی تعطیل شده در استان ایلام  
(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)



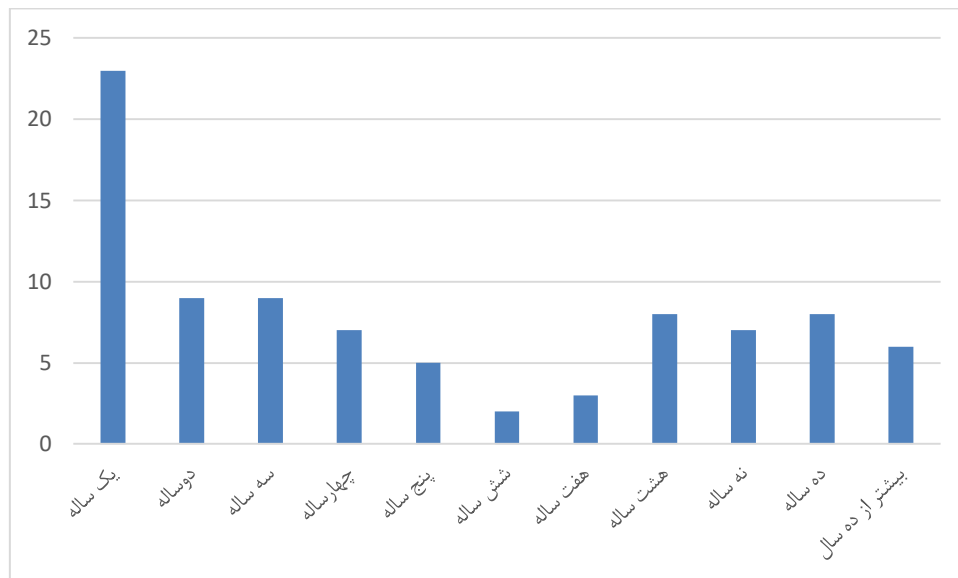
نمودار ۳. سهم واحدهای تعطیل شده بر حسب تعداد کارکنان  
(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)

## سن بنگاه

سن بنگاه<sup>۱</sup>: تعداد سال‌های فعالیت بنگاه تلقی می‌شود (نیستروم<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

جوانویچ (۱۹۸۲) بیان می‌کند که هر چه سن بنگاه بیشتر باشد، احتمال خروج آن کاهش می‌یابد. چراکه با افزایش سن، تجربه بنگاه در انجام مخارج و تخصیص بهینه منابع افزایش می‌یابد. ولی برعکس در صورتی که سن بنگاه کم باشد، احتمال خروج بنگاه افزایش می‌یابد.

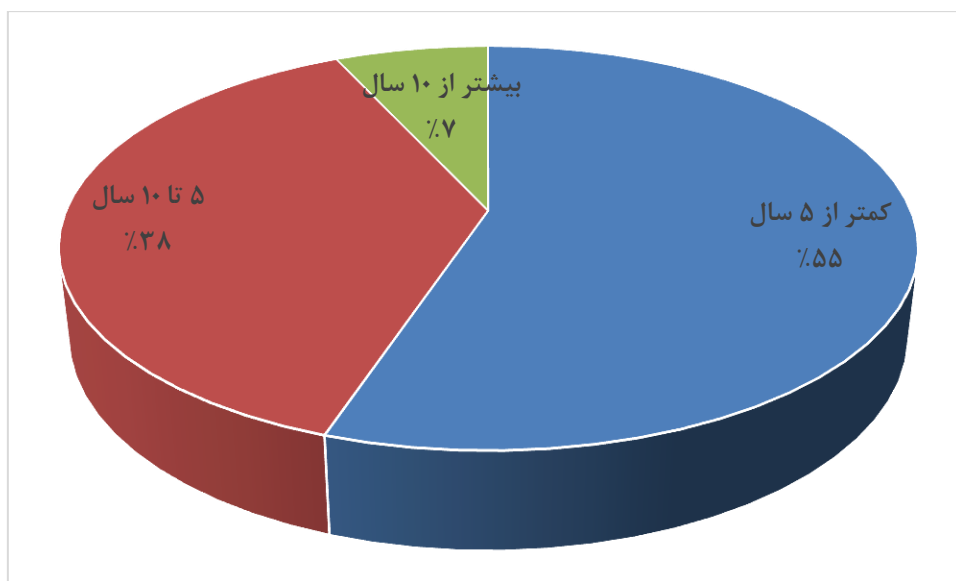
مطابق نمودار شماره (۴) بیشترین سهم واحدهای تعطیل شده مربوط به واحدهای یک‌ساله بوده است. که در ادبیات اقتصاد صنعتی به مرگ در نوزادی تلقی می‌شود. همچنین مطابق نمودار (۵) مقدار ۵۵ درصد واحدهای تعطیل شده سن کمتر از ۵ سال، ۳۸ درصد واحدهای تعطیل شده سن ۵-۱۰ سال و تنها ۷ درصد بنگاه‌ها سن بالای ۱۰ سال داشته‌اند. بررسی موضوع تعطیلی بر حسب سن واحدهای تولید نشان می‌دهد که عمدتاً بنگاه‌های با سن پایین‌تر، بیشتر خارج شده‌اند که با توجه به مبانی نظری، این مسئله تأیید می‌شود.



نمودار ۴: فراوانی واحدهای تعطیل شده بر حسب سن

(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)

1. Firm Age
2. Nystrome



نمودار ۵. سهم واحدهای تولید تعطیل شده بر حسب سن  
(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)

### ساختار مالکیت

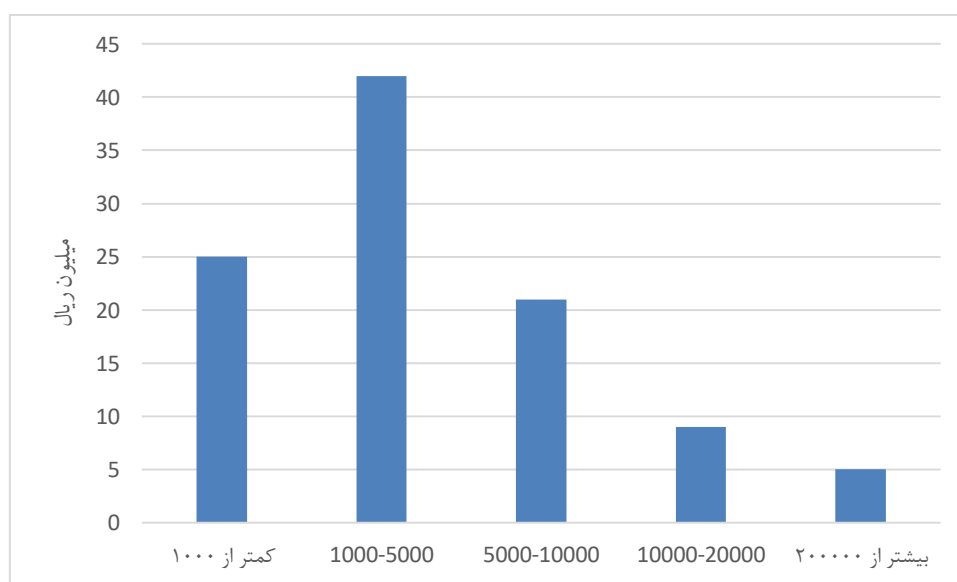
بنگاه‌های دولتی نسبت به بنگاه‌های خصوصی ماندگاری بیشتری دارد. چراکه صرف‌نظر از سودآوری یا عدم سودآوری، آن‌ها مورد حمایت دولت قرار دارند (فریزر، ۲۰۰۴). مطابق آمار ارائه‌شده سازمان صمت استان ایلام، ۹۸ درصد واحدهای تولیدی تعطیل شده دارای مالکیت خصوصی بوده و تنها ۲ درصد واحدهای تعطیل شده مالکیت تعاونی داشته است.

### شدت سرمایه

مقیاس بهینه تولید در صنایع مختلف متفاوت است، بنابراین نیاز به سرمایه برای ورود به صنعت در مقیاس بهینه به عنوان یک مانع ورود به آن صنعت تلقی می‌شود. در واقع نیاز به سرمایه برای ورود به صنعت، هزینه‌های حاشیه‌ای به همراه دارد که هرچه نیاز به سرمایه در صنعت بالا باشد این هزینه‌ها نیز بالا خواهند رفت (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۷). از طرفی با توجه به ارتباط و همبستگی بالای میان ورود و خروج، هرچه موانع ورود به یک صنعت بالا باشند، موانع خروج از آن صنعت نیز بالا خواهند بود.

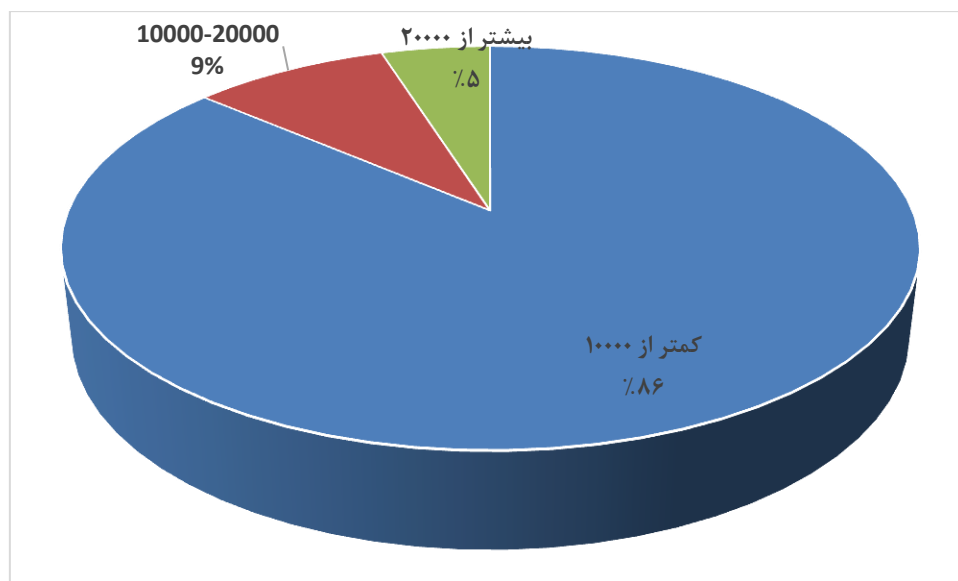
بنگاه‌ها در صنایعی با سرمایه مورد نیاز بالا تعهد زیادی نسبت به منابع خود دارند، در نتیجه بالا بودن شدت سرمایه در صنعت مانعی برای خروج خواهد بود. شواهد تجربی نشان‌دهنده ارتباط منفی میان شدت سرمایه و نرخ‌های خروج می‌باشند (مک‌دونالد<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶).

مطابق نمودار (۶) بیشترین تعداد واحدهای تولید تعطیل شده بر حسب سرمایه مربوط به واحدهای با میزان سرمایه اولیه ۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ میلیون ریال بوده است. همچنین مطابق نمودار شماره (۷) واحدهای با سرمایه اولیه کمتر از ۱۰۰۰ میلیون ریال بیشترین سهم تعطیلی (۸۶ درصد) را داشته‌اند.



نمودار ۶. سهم واحدهای تولید تعطیل شده بر حسب سرمایه اولیه  
(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)

1. MacDonald



نمودار ۷. سهم واحدهای تولید تعطیل شده بر حسب سرمایه اولیه  
(مأخذ: آمار و اطلاعات سازمان صمت استان ایلام)

### سایر عوامل

#### رشد صنعت

صنایعی که دارای نرخ رشد بالا می‌باشند، برای بنگاه‌های موجود در صنعت فرصت‌های مناسبی را برای فعالیت فراهم می‌آورند، در حقیقت رشد صنعت، فضا را برای فعالیت بنگاه‌ها فراهم می‌سازد. انتظار بر آن است که رشد کند و کاهش صنعت به نرخ‌های بزرگ و سریع خروج منتج شود. بیشتر مطالعات وجود رابطه منفی میان رشد بازاری و نرخ‌های خروج را اثبات نموده‌اند (دان و رابرت، ۱۹۹۱)!

#### سود

انتظار می‌رود در صنایعی که سهم هزینه‌های حاشیه‌ای از کل دارایی‌های ثابت بالا باشد، نرخ‌های خروج پایین‌تری داشته باشند. چراکه دوام (پایدار بودن) و اختصاصی بودن این دارایی‌ها، خروج را پرهزینه می‌کند. فتوپولوس و لاری (۲۰۰۰)<sup>۲</sup> شواهدی ارائه کردند که نشان می‌داد بین بالا بودن هزینه‌های حاشیه‌ای و احتمال خروج بنگاه ارتباط منفی وجود دارد.

1. Dunne and Roberts  
2. Fotopoulos and Louri

### حداقل مقیاس کارایی

از نظر بن (۱۹۵۶) در صناعی با حداقل مقیاس کارایی بالا ورود مشکل است. بنابراین با توجه به رابطه بین موانع ورود و خروج، خروج نیز مشکل خواهد بود. پس ارتباط میان حداقل مقیاس کارا و خروج به صورت غیرخطی است (دوی، ۱۹۹۹). بنگاه‌های که در سطحی کمتر از حداقل سطح مقیاس بهینه کارا (MES) فعالیت می‌کنند مطلوب نیستند چراکه آن‌ها با یک عدم مزیت هزینه‌های در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ مواجه خواهند شد (تسیوناس و پاپادوگانوس، ۲۰۰۶).

### تمرکز

تمرکز صنعتی، ساختار بازار را نشان می‌دهد. اگر یک صنعت رقابتی باشد، مفهوم این است که بیشتر بنگاه‌ها کوچک هستند، که باید چنین برداشت شود یک ارتباط منفی بین تمرکز صنعتی و خروج وجود دارد (نیستروم، ۲۰۰۷).

### تولید

اثرگذاری اقتصاد کلان بر ورود و خروج از دیدگاه سنتی، گاهی اوقات «فرضیه کشش»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. و بیان می‌کند زمانی که تقاضا بالاست؛ کارآفرینان بیشتر تمایل به ورود به بازار را دارند و دولت انتظار دارد که شرایط اقتصادی مطلوب پیش رود. به عبارت دیگر، فرضیه کشش بر این دلالت دارد که یک افزایش در نرخ رشد واقعی GDP، انتظار سودآوری برای واردشوندگان را بهبود بخشیده و در نتیجه تعداد واردشوندگان را افزایش می‌دهد. لذا فرض بر این است که رشد در GDP واقعی، تعداد خارج شوندگان را کاهش می‌دهد، زیرا یک افزایش در تقاضا، سودآوری را برای بنگاه‌ها فراهم ساخته و مانع خروج آن‌ها از کسب‌وکار می‌شود. از آنجایی که تقاضای کل روی ورود نیز اثرگذار است، با توجه به ارتباط قوی میان ورود و خروج، بر خروج نیز اثرگذار است (نیستروم، ۲۰۰۷).

در مقابل، فرضیه فشار<sup>۲</sup> وجود دارد، که ضرورتاً بر مبنای تئوری اقتصاد کلان از عرضه کارآفرینان بنا نهاده شده است. فرضیه فشار درست در مقابل فرضیه کشش بوده و بیان می‌کند که

---

1. Pull hypothesis  
2. push hypothesis

یک کاهش در فعالیت‌های واقعی اقتصاد تعداد بنگاه‌های جدید را افزایش می‌دهد، زیرا نرخ‌های بالای بیکاری، هزینه فرصت واردشوندگان بالقوه برای شروع به کار را کاهش می‌دهد (همان منبع).

### جمعیت

از آنجایی که بنگاه‌ها خدمات و کالاها را برای ساکنین مناطق فراهم می‌سازند، بنابراین اندازه و تغییرات جمعیت می‌تواند حائز اهمیت باشد. اگر بنگاه ترجیح دهد در یک ناحیه پرجمعیت مستقر شود، این ممکن است یک نیروی خود تقویتی ایجاد کند. وقتی که یک بنگاه جدید در یک منطقه وارد یا منتقل می‌شود، ممکن است بر جذب سایر بنگاه‌های دیگر به این منطقه نیز اثرگذار باشد، چراکه اندازه منطقه افزایش می‌یابد (کروگمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). در مقابل این اثر خود تقویتی می‌تواند زمانی که اندازه جمعیت کوچک و کاهشی باشد سبب خروج شود. زیرا در این حالت کمتر به جذب استقرار به این نواحی کمک می‌کند. یا بنگاه‌های قدیمی موجود به دلیل کاهش تقاضا مجبور به خروج شوند. یا ممکن است این بنگاه‌ها نواحی دیگری را که محیط اقتصادی بهتری دارد برای فعالیت انتخاب کنند (نیستروم، ۲۰۰۷).

### صنعتی شدن

حتی اگر بنگاه‌ها متعلق به یک صنعت نباشند ممکن است از هم جوارری هم بهره‌مند شوند. اقتصاد شهرنشینی می‌تواند از طریق مزایای مرتبط با هم مکانی در یک منطقه توسط متغیر جمعیت اثرگذار باشد. استقرار یک بنگاه در منطقه بزرگ می‌تواند از طریق اثرات خارجی مثبت مستقر شده در یک منطقه متراکم تحت تأثیر قرار گیرد. در این شرایط، هزینه‌های حمل‌ونقل و هزینه‌های مجاورت با تأمین‌کنندگان و مشتریان کمتر و بهبود در کیفیت ارائه کالا و خدمات را به دنبال خواهد داشت. در ارتباط با اقتصاد شهرنشینی، برای یک منطقه معین اندازه و تراکم غیراقتصادی به تراکم ممکن حائز اهمیت است (نیستروم، ۲۰۰۷). ریچاردسون<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) مباحثی چون ترافیک زیاد، افزایش اجاره زمین با افزایش هزینه نیروی کار را دخیل می‌داند. برای بنگاه‌های موجود اثر خارجی مثبت شهری شدن ممکن است احتمال بقا را افزایش دهد. اما از سوی دیگر، تراکم غیراقتصادی ممکن است انگیزه یا نیروی خروج یا جایگزینی را افزایش دهد.

1. Krugman  
2. Richardsson

### عرضه اعتبارات

به دلیل نواقص در سیستم مالی، بخش بانکی به عنوان تنها منبع مالی خارجی برای بعضی بخش‌های خاص اقتصادی، به‌طور خاص برای کارآفرینان جدید است. در مورد خروج، فرض می‌شود که افزایش در عرضه اعتبارات خروج را کاهش می‌دهد، زیرا کاهش در عرضه اعتبارات مشکلات نقدینگی را برای بنگاه‌های نیازمند به اعتبارات به وجود می‌آورد. اثر محدودیت اعتبارات بر خروج می‌تواند با توجه به دسترسی واردشوندگان بالقوه به بازار سرمایه متفاوت باشد.

### نرخ بهره

شرایط پولی و مکانیسم انتقال آن در اقتصاد با توجه به چرخه کسب و کار، برخی اثرات خاص بر ورود و خروج دارد. عرضه اعتبارات اثر واقعی اضافی مؤثری بر بازار نرخ بهره واقعی دارد (کاشیاپ و استین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). مطابق تئوری‌های پولی، تراکم وضعیت پولی، نرخ‌های بهره واقعی را افزایش می‌دهد. افزایش در بهره واقعی اثر منفی بر سرمایه‌گذاری و تولید دارد. نرخ بهره واقعی به‌طور مستقیم تعدادی از بنگاه‌های جدید را متحمل برخی هزینه‌ها کرده و در نتیجه نیازمند به منابع مالی می‌کند. از طرفی افزایش در نرخ بهره واقعی اثر معکوسی بر خروج بنگاه‌ها دارد. زیرا افزایش در نرخ بهره، هزینه‌های مالی را افزایش داده و در نتیجه احتمال شکست کسب و کار و نوسانات در کسب و کار را افزایش می‌دهد (ایماکنوس و تویی، ۱۹۹۹).

### تورم

هرگاه نرخ‌های تورم به‌طور مداوم افزایش یابند، به‌طور فزاینده‌ای فرار می‌شوند. در این شرایط گرایش دولت به مداخله بیشتر در فرآیند تعیین قیمت از طریق اعمال کنترل بر قیمت و دستمزد بیشتر شده که این امر کارایی سیستم قیمت را کاهش داده و منجر به بیکاری می‌شود (بهاتهاراج و همکاران، ۲۰۰۴). از طرفی افزایش احتمال دخالت دولت، منجر به افزایش نااطمینانی در مورد سیاست‌های دولت شده و با افزایش نااطمینانی، بنگاه‌ها سرمایه‌گذاری‌شان را کاهش می‌دهند و احتمال خروجشان بالا رفته که در نتیجه تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد (فرزین‌وش و لبافی

1. Kashyap and Stein

فریز، ۱۳۹۳). همچنین تورم هزینه‌های تولید بنگاه را افزایش داده و به طور مستقیم بر میزان تولید اثرگذار خواهد بود.

### فضای کسب و کار

فضای کسب و کار از جنبه‌های گوناگون بر فعالیت بنگاه‌ها اثرگذار است. در صورت عدم وجود امنیت قضایی و سرمایه‌گذاری، امکان مشارکت مالی در اقتصاد کاهش می‌یابد. به عبارتی کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش صنعت (به دلیل عدم وجود شرایط مناسب کسب و کار) موجب کاهش تولید، رکود و کوچک ماندن مقیاس بنگاه‌ها و خروج آن‌ها از صنعت یا حرکت به سمت اقتصاد غیررسمی می‌شود. از طرفی فضای نامناسب کسب و کار موجب اختلال در ساختار بازار از طریق کاهش انگیزه کارآفرینان برای ورود به بازار و در نتیجه ایجاد انحصار و افزایش در تمرکز می‌شود. بقا و ادامه فعالیت بنگاه در بازار نیازمند کاهش قیمت‌ها و ارتقا قدرت رقابت‌پذیری است، که محیط نامناسب کسب و کار، آن را تشدید می‌کند (صمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

### ۵. جمع بندی

تعطیلی واحدهای تولیدی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بخش صنعت بوده که متأسفانه در کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس بررسی‌های مختلف انجام شده در این زمینه که در داخل و خارج از کشور صورت گرفته، می‌توان عوامل اثرگذار بر خروج بنگاه‌ها در صنعت را به سه گروه کلی تقسیم کرد؛ گروه اول عواملی هستند که با شرایط ویژگی‌های بنگاه در ارتباطند. عواملی مانند اندازه بنگاه (بر حسب تعداد کارکنان)، سن بنگاه، نوع مالکیت، شدت سرمایه و...؛ گروه دوم در این تقسیم‌بندی به عواملی بازمی‌گردد که ناشی از ویژگی‌های صنعتی است که یک بنگاه اقتصادی به آن وارد می‌شود مانند ساختار صنعت (به لحاظ سطح تمرکز)، اندازه صنعت، نرخ ورود بنگاه‌ها به صنعت، صرفه‌های ناشی از مقیاس، میزان رشد صنعت، حاشیه سود صنعت و...؛ گروه سوم عواملی را شامل می‌شود که خارج از حیطه اختیارات بنگاه بوده ولی بر فعالیت آن در صنعت اثرگذار خواهد بود و عوامل محیطی یا برون‌زا (کلان اقتصادی) نامیده می‌شوند.

بر اساس آمار ارائه شده توسط سازمان صمت استان ایلام، ۱۰۱ واحد تولیدی در استان تعطیل و نیمه تعطیل گزارش شده است. بررسی وضعیت این واحدها نشان می‌دهد که واحدهای با اندازه کوچک (تعداد کارکنان کم)، سن کم (تعداد سال‌های فعالیت)، سرمایه اولیه کم و ساختار مالکیت

خصوصی، بیشترین درصد واحدهای تعطیل و نیمه تعطیل را به خود اختصاص داده است. از آنجایی که بخش عمده‌ای مشکلات واحدهای تولید تأمین سرمایه در گردش و جبران هزینه‌های ناشی از تورم است؛ بر این اساس اعطای تسهیلات بلندمدت با نرخ سود کم به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین مالی و نقدینگی بنگاه، راهکار مناسبی برای حمایت از این واحدها است.

### منابع

- بهشتی، محمدباقر و صنوبر، ناصر و فرزانه کجاباد، حسن (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر ورود و خروج خالص بنگاه‌ها در بخش صنعت ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۳۸، ۱۷۹-۱۵۷
- جلالی نائینی، سید احمدرضا و توکلین، حسین و زمان زاده، حمید و داودی، پدram (۱۳۸۷). لحاظ ورود و خروج بنگاه در یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی، پیاپی ۲۹، ۳۹-۱
- دفتر مطالعات انرژی صنعت و معدن (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل عملکرد بخش صنعت در سال‌های ۹۰ و ۹۱، مرکز پژوهش‌های مجلس، کد موضوعی ۳۱۰، شماره مسلسل ۱۳۴۳۶، دی‌ماه ۱۳۹۲
- صمدی، علی حسین و دهقان شبانی، زهرا و آفرینش فر، سعیده (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر سودآوری صنایع کارخانه‌ای ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و ششم، شماره ۸۶، ۲۸۷-۲۵۹
- فرزین وش، اسدالله و لبافی فریز، فاطمه (۱۳۹۳). اثر نااطمینانی تورم و رشد ارزش افزوده بخش صنعت در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال نهم، شماره ۱۸
- فیض پور، محمدعلی و رضایی نوجینی (۱۳۹۱). سطح تکنولوژی و احتمال خروج بنگاه‌های جدیدالورود با استفاده از مدل مخاطره کاکس، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دوازدهم، شماره سوم، ۱۳۲-۱۰۷

- فیض پور، محمدعلی و عرب نجف‌آبادی، محسن (۱۳۹۳). رشد صنعت و خروج بنگاه‌های صنعتی: رهیافت مدل شبکه عصبی مصنوعی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال چهاردهم، شماره چهارم، ۵۷-۷۸
- فیض پور، محمدعلی و کریمی، سعیده (۱۳۹۵). سایه مرگ در صنایع تولیدی ایران مطالعه موردی صنایع منتخب استان‌های یزد و اصفهان، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت
- کاظمی، ابوطالب و فیض پور، محمدعلی و مکیان، سیدنظام‌الدین و حاج‌امینی، مهدی (۱۳۹۸). رویکرد خرد و کلان به خروج بنگاه‌های صنایع تولیدی ایران، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۶، شماره ۴، ۵۴-۸۴

- Adizes, I. (1990). "Corporate lifecycles: How and why corporations, grow and die and what to do about it", Hd 5808A34, Prentice Hall. Paramus, Nj 07652.
- Arcuri, G., sten, M., & cresde, F. (2019). "Spatial patterns and determinants of firm exit: an empirical analysis on France", *The Annals of Regional Science* 62(1), 99-118.
- Austin, J., & Rosenbaum, D. (1990). "The determinants of entry and exit rates into US manufacturing industries:", *Review of Industrial Organization* 5(2), 211-223.
- Baggs, J. (2005). "Firm survival and exit in response to trade liberalization", *Canadian Journal of Economics/Revue canadienne d'économique* 38(4), 1364-1383.
- Bhattacharjee, A., Higson, C., Holly, S., Kattuman, P. (2004). "Business Failure in UK and US Quoted Firms: Impact of Macroeconomic Instability and the Role of Legal Institutions. Accounting Subject Area", CWPE 0420, March 2004
- Dickinson, V. (2006). "Future profitability and growth, and the roles of firm life cycle and barriers-to-entry", *The University of Wisconsin-Madison*.
- Doi, N. (1999). "The determinants of firm exit in Japanese manufacturing industries". *Small Business Economics* 13(4), 331-337.
- Dunne T, Roberts M, Samuelsson L (1988). "Patterns of firm entry and exit in US manufacturing industries", *RAND J Indus Econ*, 19:495-515
- Feinberg. R (2013). "International Competition and Small-Firm Exit in US Manufacturing", *Eastern Economic Journal*, 2013, 39, (402-414)
- Frazer, G. (2004). "Which firms die? A look at exit from manufacturing in Ghana". *Unpublished manuscript, Rotman School of Management, University of Toronto*.
- Gu, W., Sawchuk, G., & Whewell, L. (2003). "The effect of tariff reductions on firm size and firm turnover in Canadian manufacturing", *Review of World Economics* 139(3), 440-459.

- Harris. R and Li. Q (2011). "The Determinants of Firm Exit from Exporting: Evidence for the UK", *International Journal of the Economics of Business*, 18:3, 381-397, DOI: 10.1080/13571516.2011.618611
- Ilmakunnas. P & Topi. J (1999). " Microeconomic and Macroeconomic Influences on Entry and Exit of Firms", *Review of Industrial Organization*, 15: 283–301
- Jovanovic, B. (1982). "Selection and the Evolution of Industry", *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 649-670.
- Kashyap. K and Stein. C (1994). "Monetary Policy and Bank Lending", in N. G. Mankiw (ed.), *Monetary Policy*. Chicago: University of Chicago Press, 221–256.
- Kaya, S., & Ucdogruk, Y. (2002). "The dynamics of entry and exit in Turkish manufacturing industry", Middle East Technical University, Ankara, *ERC working papers in Economics* 2(2).
- Krugman, P. (1998). "Space: the final frontier". *Journal of Economic perspectives* 12(2), 161-174.
- Nyström, K. (2007). "An industry disaggregated analysis of the determinants of regional entry and exit", *The Annals of Regional Science* 41(4), 877-896.
- Porter, M., & Caves, R. (1977). "Barriers to exit", *Cambridge, MA: Ballinger Publishing Company*.
- Richardsson. HW (1995). " Economies and diseconomies of agglomeration". In Giersch H (ed) *Urban agglomeration and economic growth*. Springer, Berlin.
- Tsionas, E., & Papadogonas, T. (2006). Firm exit and technical inefficiency. *Empirical Economics* 31(2), 535-548.